

گونه شناسی باورهای زائران بقیع با تکیه بر سفرنامه‌های مغربیان

حامد قرائتی^۱ و محمد رضا حیدری خراسانی بیدگلی^۲

چکیده:

زیارت مشاهد و بقاع مقدس از سنت‌های کهن و پردامنه اسلامی در میان مذاهب و ملل مسلمان بوده است. زیارت مراقد و بقاع بزرگان دینی همچنین مظهر و محل تجلی باورهای مؤمنین و آحاد جامعه بوده و می‌توان با تعمق و گونه شناسی باورهای ظهور یافته در این مزارات تصویری از فرهنگ و تمدن اسلامی در ادوار مختلف ارائه داد. این اماکن در کارکردی دیگر و در هر زمان محل تلاقی و تعامل و هم‌افزایی رفتارهای زائران خود بوده و می‌باشند. در این میان قبرستان بقیع به دلیل مدفن بسیاری از پیشوایان دینی و منتسبین به رسول خدا ﷺ مورد احترام قاطبه جوامع اسلامی بوده و زائران از هر جامعه یا زیست بوم فرهنگی و با تعلق خاطر به هر یک از مذاهب اسلامی مجموعه‌ای از باورها را از خود بروز داده‌اند. این تحقیق تلاش دارد با تکیه بر آثار سفرنامه نویسان مغرب اسلامی، باورهای بروز یافته در بقیع را مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی مورد شناسایی قرار داده و در دو دسته باورهای فکری-مذهبی و

۱. فارغ التحصیل رشته شیعه شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)

(gharaati_1359@yahoo.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (عجل الله فرجه)

(angel23121376@gmail.com)

باورهای فرهنگی-تمدنی گونه شناسی نماید. از یافته های این تحقیق توجه زائران به انتساب مدفونین به پیامبر ﷺ، تعدیل شدن مناقشات فرقه ای، توجه به حوادث و گزاره های تاریخی، یادکرد از فضایل مدفونین و تمسک به احادیث در اولویت سنجی مزارات، خواهد بود.

واژگان کلیدی:

قبرستان بقیع، گونه شناسی باورها، زیارت، سفرنامه های مغربی

مقدمه:

از دیرباز مزارات و بقاع منتسب به بزرگان، محل تجلی باورهای مختلف فکری، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی بوده اند. از این رو نمی توان از آنها تنها به عنوان بناهای کهن و تاریخی و یادگاری از هنر و معماری در گذشته یاد کرد. چه اینکه از طرفی شکل گیری و ادامه حیات این مزارات معلول و نتیجه مجموعه ای از باورها بوده و هم خود عامل شکل گیری بسیاری از رفتارها و سنت های جمعی خواهند بود.

قبرستان بقیع در مدینه یکی از مهمترین مشاهد اسلامی است که مدفن بسیاری از صحابه و منتسبین به رسول گرامی اسلام ﷺ می باشد که متاسفانه در قرن اخیر بر اثر جهل و کج اندیشی مورد حمله جزم اندیشان متعصب قرار گرفته و تمامی آثار و مشاهد آن تخریب شده است. از این رو نباید خسارات معنوی و تاریخی تخریب مشاهد و بقاع بقیع را محدود به از بین رفتن چندین اثر و بنای تاریخی دانست؛ بلکه از بین رفتن این بقاع را از دست دادن فرصت گرانسنگ بروز، تجلی، تعامل، هم افزایی و نوزایی باورهای عمومی مسلمین گردآمده از اقصی نقاط جهان اسلام باید دانست؛ به این معنا که جوامع و فرقه های مختلف اسلامی از هرزیست بوم فرهنگی یا تمدنی و مبتنی بر هر خاستگاه فکری و معرفتی اسلامی در زیارت مشاهد اسلامی رفتاری معنوی و فرهنگی را از خود بروز می داده اند که در بسیاری از موارد و مصادیق مشترک و در مواردی ممکن

است متفاوت از یکدیگر بوده باشد.

با توجه به مقدمه پیش گفته می‌توان باورهای زائرین در بقیع را مبتنی بر لایه‌های مختلف فکری، اجتماعی و فرهنگی مورد گونه شناسی قرار داده و مؤلفه‌های اصلی و فرعی آن را استخراج نمود.

انتخاب آثار نویسندگان مغرب اسلامی در حوزه سفرنامه نویسی به آن جهت بوده است که این منطقه از جهان اسلام، خاستگاه سفرنامه نویسان برجسته‌ای می‌باشد که در عین حال کمتر آثارشان مورد توجه پژوهشگران ایرانی تاریخ اسلام قرار گرفته است. این مقاله تلاش دارد با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر آثار سفرنامه نویسان مغرب اسلامی باورهای زائرین بقیع را در چند لایه گونه شناسی نماید. با توجه به محدود بودن گزارش‌های سفرنامه نویسان مغربی از باورهای زائرین بقیع، قلمرویی به عنوان محدوده زمانی برای این تحقیق در نظر گرفته نشده است.

موضوع بقیع در آثار سفرنامه نویسان غرب اسلامی پیش از این مورد توجه پژوهشگر ارجمند جناب آقای دکتر حمیدرضا مطهری قرار گرفته و مقاله‌ای با عنوان «بقیع و مشاهد آن در آثار سفرنامه نویسان غرب اسلامی» در پژوهشنامه حج و زیارت شماره ۱۱ (ص ۷۱-۸۸) منتشر شده است اما همانطور که از عنوان مشهود است به موضوع این مقاله تمرکز نیافته است.

لازم به ذکر است که گرچه سفرنامه‌ها معمولاً بهترین منابع برای استخراج داده‌های اجتماعی می‌باشند اما هر چه از عصر حاضر فاصله می‌گیریم حضور این نوع داده‌ها در سفرنامه‌ها کم‌رنگ‌تر شده و شاید بسیاری از سفرنامه نویسان سده‌های میانه دغدغه وانگیزه‌چندانی در ثبت عادات، باورها، رسوم، هنر، معماری و سایر عناصر فرهنگی نداشته‌اند. همچنین لازم به توجه است که باورهای انسان همانند رفتارهایش ممکن است دارای خاستگاه‌های مختلف فکری، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی

باشد و طبیعتاً غلبه یکی از این خاستگاه‌ها در حوزه ایجاد، استمرار یا تأثیر باعث می‌شود که با تسامح یک باور را در یکی از گروه‌های پیش گفته قرار دهیم؛ هر چند که آن باور دارای ریشه‌های دیگری نیز باشد. با اذعان به تمامی این ملاحظات تلاش شده است در این مقاله با استخراج داده‌های مرتبط و برقراری رابطه بین داده‌های همگن، باورهای ظهور یافته توسط زائران بقیع در محورهای زیرگونه شناسی شوند:

۱. باورهای فکری-مذهبی

برخی از باورهای ظهور یافته از زائران بقیع را می‌توان برخاسته از مبانی فکری و مذهبی دانست؛ به این معنا که عناصر فکری و تعالیم و آموزه‌های مذهبی نقش مؤثری در شکل‌گیری یا بروز و تجلی این باور داشته‌اند؛ هر چند که نقش آفرینی اجمالی دیگر خاستگاه‌ها نیز قابل انکار نخواهد بود. برخی از مهمترین باورهای فکری-مذهبی ظهور یافته از زائران بقیع را می‌توان چنین برشمرد:

الف) لزوم تکریم و زیارت مراقد و مشاهد منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام

زائران بقیع اهتمام خاصی به زیارت اهل بیت علیهم‌السلام داشته‌اند؛ به طوری که علاوه بر زیارت بارگاه چهار تن از ائمه علیهم‌السلام به دیگر مشاهد و حتی مراقد منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام نیز اهتمام می‌ورزیده‌اند. از جمله اهتمام به زیارت مرقدی منتسب به حضرت فاطمه علیها‌السلام در بقیع (فاسی، ۲۰۱۴، ص ۲۶۶) و یا مشهدی با عنوان «قبة الحزن» در بقیع که به نقل کتانی محل اقامت و اظهار حزن حضرت فاطمه علیها‌السلام بوده است.^۱ ابن جبیر سفرنامه نویس مغربی نیز از این مکان با نام «بیت الحزن» یاد کرده است. (ابن جبیر، بی تا، ص ۱۵۶) از دیگر باورهای متداول زائران بقیع زیارت مسجدی در حوالی بقیع است که منسوب به حضرت فاطمه علیها‌السلام می‌باشد. (کتانی، ۲۰۰۵، ص ۲۲۷-۲۲۸) از

۱. «فی قبلة قبة فبتان: إحداهما: وهي الشرقية يقال لها قبة الحزن، يقال: إن فاطمة رضي الله عنها أقامت بها أيام حزنها على أبيها». (کتانی، ۲۰۰۵، ص ۲۲۷-۲۲۸)

دیگر مقام‌هایی که مورد زیارت زائران بقیع بوده است مرقدی با عنوان مدفن سر مقدس امام حسین علیه السلام در جوار مدفن امام حسن بن علی علیه السلام می‌باشد (همانجا). کتانی در ادامه دفن حضرت فاطمه علیه السلام در محدوده قبر عباس بن عبد المطلب را نظر مشهور دانسته است. کتانی بدون ذکر هیچ اختلافی مدفن امام علی بن الحسین علیه السلام با عنوان «زین العابدین بن الحسین» و فرزندشان محمد بن علی الباقر علیه السلام و نوه‌شان جعفر بن محمد الصادق علیه السلام را در همان قبه (قبه عباس) دانسته است (همانجا). باور زائران بقیع به لزوم تکریم اهل بیت علیهم السلام موجب شده است تا زائران از زیارت هر مرقدی منسوب به اهل بیت علیهم السلام هر چند که برخلاف مشهور باشد، غفلت نمایند؛ به طوری که از زیارت قبری منسوب به امام علی بن ابی طالب علیه السلام در بقیع نیز سخن به میان آمده است. (همانجا)

ب) توجه به انتساب مدفونین به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

از دیگر باورهایی که در قبرستان بقیع ظهور و بروز داشته است دانستن انتساب مدفونین و صاحب مراقده به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. چه اینکه آنچه که قبل از هر توصیف دیگری از صاحب مقابر مطرح بوده است نحوه و چگونگی ارتباط و انتساب وی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد؛ به عنوان نمونه ابن بطوطه (م ۷۷۰ق) بعد از مشخص نمودن مدفن «صفیه» انتساب وی به عنوان «عمه رسول خدا» را قبل از معرفی وی به عنوان مادر «زبیر بن عوام» مورد تأکید قرار داده است. (ابن بطوطه، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۳۶۰) و یا کتانی به زیارت قبر حلیمه با تصریح به اینکه وی افتخار دایگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را داشته است، تصریح نموده است. (کتانی، ۲۰۰۵، ص ۲۲۷-۲۲۸) و یا سفرنامه نویس دیگری به شهرت مالک بن سنان به پرچم داری برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به هنگام زیارت وی تصریح کرده است. (قیسی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲) مؤلف کتاب «بلوغ المرام بالرحلة الی بیت الله الحرام» توجه خاص زائران بقیع به انتساب صاحبان مقابر به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را چنین توصیف نموده است:

«با اینکه دفن حلیمه در بقیع در منابع قائلی ندارد و خداوند بر این موضوع

آگاه تر است اما به هر صورت مردم هر مزاری که به نوعی منتسب به خداوند و رسولش باشد ولو این انتساب صحت نداشته باشد را زیارت می کنند چرا که مجرد انتساب به خداوند و رسولش مؤثر بر حصول برکت خواهد بود». (مرادی، ۲۰۰۶، ص ۱۳۸)

ج) تبرک جویی از مشاهد و مقابر

ضمن اذعان به اینکه برخی آموزه های افراطی دارای پیشینه ای کهن در تاریخ اسلام می باشند اما از دیرباز تبرک جویی و زیارت اهل قبور از سنت های رایج در میان مسلمین بوده است؛ چه اینکه زیارت روضه نبوی و مراقد بقیع از آیین های مرتبط با حج دانسته شده و حجاج عمدتاً بعد از انجام مناسک به زیارت مراقد مدینه می شتافته اند. (مکناسی، ۲۰۰۳، ص ۲۸۳) زائران در ضمن طلب رحمت برای مدفونین در بقیع به زیارت مشاهد منتسب به رسول خدا ﷺ در این قبرستان پرداخته و از این مشاهد تبرک جویی می نموده اند؛ (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۳۷۶) این تبرک جویی به همسران یا فرزندان رسول خدا ﷺ اختصاص نداشته و در مورد صحابه نیز انجام می شده است. به طوری که منابع متعددی از تبرک جویی زائران از مزار مالک بن انس (م ۱۷۹ق) گزارش نموده (قیسی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲) و برخلاف آنچه امروزه تبلیغ می شود برخی از اهل سنت گوی سبقت را در تبرک جویی از شیعیان ربوده بودند؛ به عنوان نمونه ابن حاج به برداشتن سنگ ریزه از مدفن مالک بن سنان در بقیع به عنوان تبرک جویی تصریح نموده است. (ابن حاج، ۱۴۲۶، ص ۴۲۳)

تلاش دولتمردان و بزرگان جهان اسلام از سده های نخستین تا قرون اخیر برای دفن شدن در بقیع از دیگر شواهد تبرک جویی به بقیع است. چه اینکه دولتمردان متعددی در این قبرستان دفن بوده و یا جنازه شان از شهرهای دور برای دفن در بقیع به مدینه منتقل شده است. (سمهودی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۵)؛ به طوری که محوطه هایی برای دفن

گروهی خاص از بزرگان در نظر گرفته شده بود؛ همانند مکانی (قبه‌ای که اختصاص به مدفن اشراف مکه داشت). (کتانی، ۲۰۰۵، ص ۲۲۷-۲۲۸)

د) محل استجابت دعا دانستن این مشاهد

قداست معنوی برخی اماکن موجب شده است تا این اماکن یا مبتنی بر روایات و یا مبتنی بر تجربه دینی محل استجابت دعا دانسته شوند. این موضوع در نوع دوم که مبتنی بر تجربه دینی است اختصاص به فرقه یا مذهبی خاصی نداشته و مستندش در مسیر جرح و تعدیل‌های رجالی و حدیثی قرار نمی‌گرفته است. مبتنی بر گزارش سفرنامه نویسان مغربی این موضوع در قبرستان بقیع نیز دارای شواهدی است. به عنوان نمونه عیاشی از محلی در بقیع (در نزدیکی مدفن عقیل بن ابی طالب) گزارش نموده است که بواسطه اینکه رسول خدا ﷺ در آنجا حضور یافته و برای مدفونین بقیع طلب استغفار می‌نموده، مورد احترام و زیارت مسلمانان بوده است؛ بطوری که برخی آن مکان در بقیع را از معدود محل‌های استجابت دعا می‌دانسته‌اند. (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۳۷۶)، برخی دیگر از سفرنامه نویسان این مکان را مسجدی کوچک در میانه بقیع یا خانه عقیل بن ابی طالب معرفی نموده و جانمایی این مکان به عنوان محل وقوف پیامبر ﷺ برای استغفار مدفونین در بقیع را به روایتی از امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام مستند نموده‌اند و در پایان بر محل استجابت دعا در این مکان تأکید نموده‌اند.^۱

۱ «إن فيه مواقف النبي حين خرج يستغفر لأهل البقيع وقيل: هو زاوية دار عقيل بن أبي طالب التي دفن فيها، وفيها دفن كثير من أهل البيت، روى خالد بن عوسجة، قال: كنت أدعوليلة إلى زاوية دار عقيل، فمررت بجعفر بن محمد فقال لي: أعن أثر وقت هنا قلت: لا قال: هذا موقف نبي الله بالليل إذا خرج يستغفر لأهل البقيع، قال المراغي: وقد أخبرني غير واحد أن الدعاء هناك مستجاب»، مرادی، ۲۰۰۶، ص ۱۳۳؛ فاسی، ۲۰۱۴، ص ۲۶۷.

هـ) ترتیب زیارت مزارات بقیع

زائران بقیع مبتنی بر اخبار تاریخی و حدیثی، سلسله مراتبی را در زیارت مزارات بقیع در نظر می گرفته اند. گرچه این موضوع به نحو محسوسی متأثر از باورهای فرقه ای بوده اما در عرصه اجرا و رفتارهای عینی کمتر دچار مناقشات و مجادلات فرقه ای بوده است

باور زائرین به ترتیبی خاص در زیارت مراقد بقیع در شعری که در سفرنامه ابن طیب مندرج است چنین انعکاس یافته است:

زر بعد خیر الرسول تربة عمه واشن الدعاء به علی العباس
واستسق سحب دموع عینک حوله فلطالما استسقی به للناس

و موردی دیگر

تیمم إذا وافیت طيبة تربة یطیب بها عند العبور عبیرها
وإن زرت عم المصطفی فی بقیعها تجد تربة العباس یسم نورها

(فاسی، ۲۰۱۴، ص ۲۶۶)

البته در مواردی نیز متأثر از تحولات سیاسی و اجتماعی رتبه بندی مبتنی بر اخبار مد نظر قرار نمی گرفته است. بتنونی در گزارش خود ترتیب زیارت مشاهد بقیع توسط یکی از دولتمردان عصر خود را چنین تشریح نموده است: «خدیو ابتدا به زیارت قبر «عثمان بن عفان» رفت؛ این قبر در شرق بقیع است. سپس به زیارت امام مالک که در میانه قبرستان قرار دارد، آمد و آنگاه به زیارت بارگاه ابراهیم فرزند رسول خدا آمد و بعد از آن که به زیارت قبر همسران رسول ﷺ خدا رفت به کنار مزار عباس و آرامگاه حضرت حسن بن علی علیه السلام که در زاویه غربی بقیع واقع شده است به طرف قبله آمد و آنجا را نیز زیارت نمود. سپس خدیو به سوی قبور صحابه و تابعین و صالحین آمد و آنان را نیز زیارت نمود». (بتنونی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۴)

در محدوده‌ای وسیع‌تر و خارج از بقیع برخی شرائط محیطی نیز در ترتیب زیارات مدینه تأثیرگذار بوده‌اند. به عنوان نمونه مکناسی با افسوس از عدم زیارت قبر حمزه بن عبدالمطلب (۳ق) به دلیل عدم امنیت یاد کرده است. (مکناسی، ۲۰۰۳، ص ۲۸۳)

۲. باورهای فرهنگی-تمدنی

برخی دیگر از باورهای ظهور یافته توسط زائران بقیع را می‌توان از نوع باورهای فرهنگی-تمدنی دانست. مبتنی بر سفرنامه‌های به جا مانده از مغربیان می‌توان مهمترین این باورها را چنین برشمرد:

الف) ساخت ضریح برای مراقد بقیع

ساخت ضریح برای مشهورین و بزرگان مدفون در بقیع برخلاف آنچه که امروزه تبلیغ می‌شود اختصاص به قومی یا مذهب خاصی نداشته و در مراقد بسیاری از مدفونین در بقیع و حتی غیر اهل بیت علیهم‌السلام نیز متداول بوده است. به طوری که کتانی به ضریح‌هایی برای مدفن عباس بن عبدالمطلب، عبدالرحمن بن عوف، حلیمه سعدیه و عثمان بن عفان تصریح نموده است. (کتانی، ۲۰۰۵، ص ۲۲۷-۲۲۸) دیگران نیز در سفرنامه‌های خود از زیارت ضریح مالک بن سنان گزارش نموده‌اند. (قیسی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲)

ب) اهتمام به قبه‌های بنا شده بر قبور

گرچه کیفیت و وسعت مقابر لوزوما به معنای جایگاه معنوی و انسانی ایشان نمی‌باشد اما وسعت و عظمت و مصالح به کار رفته در بقاع به صورت ضمنی بیانگر توجه و اهتمام جامعه، پیروان و یا دولتمردان به تعظیم صاحب بقعه خواهد بود؛ به عنوان نمونه قبه عباس بن عبدالمطلب بزرگترین و باشکوه‌ترین قبه بقیع به شمار می‌رفته است. این موضوع از چند حیث قابل توجه است: نخست اینکه با توجه به دفن چهار تن از ائمه علیهم‌السلام امامیه که نخستین ایشان امام حسن بن علی علیه‌السلام سبط اکبر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

می باشد، همچنین شهرت این قبه به قبه العباس می تواند معلول حکمرانی بیش از پنج قرن فرزندان او بر جهان اسلام باشد. گرچه اهتمام و توسعه این قبه توسط عباسیان نیز در این خصوص بی تأثیر نبوده است؛ به طوری که تعمیر و تجدید بناء قبه به المسترشد بالله عباسی (۵۱۲-۵۲۹ق) و الناصر لدین الله احمد بن مستضی عباسی (۵۷۵-۶۲۲ق) (فاسی، ۲۰۱۴، ص ۲۶۶) نسبت داده شده است. (سمهودی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۵) ابن بطوطه (۷۷۹ق) نیز به بزرگی و استواری این قبه تصریح کرده و در کنار او عیاشی (م ۱۰۹۰ق) به توصیف ارتفاع و تزیینات قبر عباس و امام حسن بن علی علیه السلام در این بقعه پرداخته اند. (ابن بطوطه، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۳۶۱؛ عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۳۷۶) در قرون بعدی نیز تنها قبه عباس به بزرگ بودن توصیف شده است. (کتانی، ۲۰۰۵، ص ۲۲۷-۲۲۸) قبه ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله دیگر قبه ای است که بلوی (م بعد ۷۶۷ق) آن را سفید رنگ توصیف نموده است. و همودر خصوص مدفن مالک بن انس، مرقد او را دارای قبه ای کوچک و در مقابل مدفن عثمان بن عفان را دارای قبه ای بزرگتر توصیف نموده است. (بلوی، بی تا، ص ۹۶) مبتنی بر توصیف برخی سفرنامه نگاران به لحاظ بزرگی قبه عثمان بن عفان دومین قبه در بقیع بوده است. (ابن حاج، ۱۴۲۶، ص ۴۲۳)

لازم به ذکر است که ساخت قبه به مدفن صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله اختصاص نداشته و بر مزار برخی از افراد دیگر نیز قبه هایی ساخته شده بود. به طوری که کتانی (م ۱۴۲۶ق) از قبه ای مخصوص اشرف مکه در قبرستان بقیع یاد کرده است. (کتانی، ۲۰۰۵، ص ۲۲۷-۲۲۸) و نکته ای دیگر اینکه برخی از یادمان ها نیز با برپا داشتن قبه بزرگ داشته می شدند؛ همانند محلی منسوب به حضرت فاطمه علیه السلام که در آن به گریه و ابراز حزن برای رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله می پرداخت. و نویسندگان مغربی از آن با عنوان «قبة الحزن» (همانجا) یاد کرده اند. در منابعی که مراقد بقیع را توصیف نموده اند، در کنار قبه از واژه دیگری همچون «روضه» نیز استفاده شده است؛ به عنوان نمونه: «روضه صغیره فیها ثلاث من بنات النبی» و «روضه فیها أزواج النبی». (بلوی، بی تا، ص ۹۶)

ج) اظهار محبت به واسطه خلق شاهکارهای هنری

اماکن مذهبی و دینی از دیرباز محل تجلی برترین شاهکارهای هنری بوده و هستند چه اینکه پیروان نه از سراجبار و کسب درآمد، بلکه داوطلبانه تلاش می‌نموده‌اند که عشق و علاقه خود به پیشوایان خود را در این گونه اماکن به منصفه ظهور برسانند. گرچه این موضوع در خصوص مراقد و مشاهد بزرگان اسلامی پیش از این و در قالب مقالات مستقلی مورد توجه قرار گرفته است اما متناسب با ابعاد این تحقیق یاد کردن از فلزکاری‌ها و نقش بستن کتیبه‌هایی به خط فارسی در مهم‌ترین مرقد قبرستان بقیع از آن جمله است. بتونوی در گزارش خود آورده است: «(درباره آرامگاه عباس و امام حسن بن علی علیهما السلام) این گنبد به شکل مقصوره‌ای است که روی قبر حضرت امام حسن بنا گردیده است و بسیار زیبا ساخته شده است. این مقصوره از جنس مس نقش دار همراه با نوشته‌های فارسی می‌باشد که گمان می‌برم از ساخته‌های شیعیان ایرانی باشد». (بتونوی، ۱۳۸۱، ص ۳۷۵) شاهکارهای هنری و نقوش این مرقد از سوی برخی دیگر از سفرنامه نویسان نیز مورد تأکید قرار گرفته است. (فاسی، ۲۰۱۴، ص ۲۶۶)

د) اهتمام به انسجام فرهنگی و اجتماعی

صرف نظر از اینکه اعتبار بسیاری از قبور موجود در بقیع ممکن است به لحاظ تاریخی و علمی محل مناقشه بوده و چند قبر در داخل یا خارج بقیع به یک نفر نسبت داده شوند اما کنار هم قرار گرفتن قبور منتسب به شخصیت‌های مهم جهان اسلام و حتی در مواردی زیر یک قبه، زمینه ساز کمرنگ شدن مناقشات فرقه‌ای و اتحاد و انسجام بیشتر امت اسلامی می‌گردد. موضوعی که گرچه اوج آن و تحت لوای توحید در مناسک حج تبلور می‌یابد اما در استمرار تاریخی و اجتماعی در زیارت مشاهد و مراقد رسول خدا صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام و سایر صحابه و بزرگان اسلامی گسترش و تعمیق یافته است. قربات مکانی مدفن شخصیت‌هایی چون عبدالرحمن بن عمر بن خطاب،

عقیل بن ابی طالب، عبدالله بن جعفر ذوالجناحین و سائر صحابه از مهاجر و انصار باعث شده است که زائران از ملیت ها و فرقه های مختلف در زیارت این مشاهد در کنار یکدیگر قرار گیرند؛ به عنوان نمونه ابن بطوطه در توصیف خود از بقیع پس از گزارش پیش گفته به قرار گرفتن مدفن عثمان بن عفان خلیفه سوم در کنار قبری منسوب به فاطمه بنت اسد بن هاشم، (مادر امام علی علیه السلام) یاد کرده است. (ابن بطوطه، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۳۶۱؛ ابن جبیر، بی تا، ص ۱۵۶) همانطور که گذشت صرف نظر از اینکه انتساب قبر مذکور به فاطمه بنت اسد در نزدیکی مدفن عثمان از سوی بسیاری رد شده است (کتانی، ۲۰۰۵، ص ۲۲۷-۲۲۸) اما شهرت این قبر و زیارت هر دو مزار توسط زائرین، شاهدی بر کارکرد پیش گفته در ایجاد اتحاد و انسجام اسلامی خواهد بود. قیسی از این دو مزار چنین یاد کرده است: «و فی آخر البقیع المبارک روضة ذی النورین نجی الرحمن و ولی القران، سیدنا عثمان بن عفان رضی الله تعالی عنه.... و علیه قبة کبيرة عالیة. و علی مقربة منها روضة فاطمة بنت اسد ام مولانا علی بن ابی طالب رضی الله عنهما. فاذا وقعت علی الضریح المبارک قلت، السلام علیک یا سیدتنا فاطمة یا بنت اسد». (قیسی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳) زائران مدفونین در بقیع را فارغ از هرگونه اختلاف فرقه ای، کلامی، فقهی، سیاسی و خاندانی، تعظیم کرده و با عباراتی چون: «اهل البقیع ذوی المجد الاثیل و القدر الرفیع، رضوان الله علیهم.... فمقبرة المدینة لا مقبرة علی وجه الارض اشرف منها بالاجماع». می ستوده اند. (درعی، ۲۰۱۱، ص ۴۶۹)

ه) تمسک به سیره گذشتگان در انجام آداب و سنن فرهنگی

با وجود اینکه زائران مشاهد بقیع از ملل، سرزمین و فرقه های مختلف اسلامی بوده و زیست بوم فرهنگی و اجتماعی متفاوتی دارند اما در زیارت مشاهد و مراقد بقیع در مقاطعی از سنت هایی در ورود و خروج و زیارت بقیع سخن به میان آمده است؛ به عنوان نمونه بتنونی ساعات باز شدن باب البقیع در مسجد النبی را از فجر تا پس از نماز عشاء

اعلام کرده و چنین سنتی را منتسب به عهد خلیفه دوم دانسته است. (بتنونی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۴) وی در گزارش دیگری به ادبی دیگر در بقیع تصریح کرده است و آن اینکه بر اساس رسم و عادت مردم مدینه مردگان خود را از مدخل «باب الرحمه» به روضه نبوی آورده و پس از اقامه نماز میت وی را از باب جبرئیل خارج کرده و به سوی بقیع حرکت می‌کنند. (همان، ۱۳۸۱، ص ۴۱۵) ورود جنازه از باب الرحمه و اقامه نماز در روضه همگی حکایت از باورهایی است که مؤمنین آن را در قالب آداب و رسوم به منصفه ظهور می‌رسانند که مهمترین این باورها تبرک جویی و توجه به رحمت الهی بواسطه کنش‌های اجتماعی و سنت‌های فرهنگی می‌باشد. در سنتی دیگر وابستگان و بازماندگان پس از دفن متوفی در بقیع، در کنار باب البقیع قرار گرفته و مردم به آنها تسلیت می‌گفته‌اند و جالب اینکه آنها این سنت را منتسب به امام حسین علیه السلام به هنگام دفن امام حسن علیه السلام در بقیع می‌دانسته‌اند. (همانجا)

از دیگر سنت‌هایی که در سفرنامه‌های مغربیان نسبت به زیارت قبور بقیع مورد توجه قرار گرفته است، حضور مردان و زنان در بقیع پس از نماز عصر در روزهای پنج‌شنبه است. زیارت کنندگان بر پایه یک باور عرفی مدعی هستند که به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شایسته است که در این روز دسته گل‌هایی را بر روی مزارها در بقیع قرار دهند. (همان، ۱۳۸۱، ص ۴۱۶)

از دیگر سنت‌های متداول در زیارت مشاهد و مراقد بقیع، به کار گرفتن راهنمایانی برای معرفی این مشاهد و مراقد می‌باشد. این راهنمایان که به «مزور» شهرت داشته‌اند همچون (مطوفین) در مکه به راهنمایی و معرفی صاحبان قبور و محل دفنشان اشتغال داشته و از این راه درآمد کسب می‌کرده‌اند. (بتنونی، ۱۳۸۱، ص ۴۱۵)

و) اهتمام به دفن شدن در بقیع و ساخت بقعه‌های خاندانی یا فرقه‌ای

تصریح برخی منابع مدینه نگاری به سنت انتقال جنازه به مدینه و بقیع (سمهودی،

۱۳۷۶، ص ۲۹۵) حکایتگر اهتمام برخی بزرگان و افراد شناخته شده برای دفن شدن در بقیع و مدینه می باشد. این اهتمام در قالب های دیگری در سفرنامه های مغربیان استمرار یافته است. چه اینکه ایشان از ساختن محوطه های اختصاصی در بقیع برای دفن افراد خاندانی خاص یا فرقه و مکتبی خاص گزارش نموده اند. البته این موضوع متفاوت از قبه ها و مقبره هایی است که برای بزرگان صدر اسلام ساخته شده و افراد زیادی علاقه مند به دفن شدن در این اماکن می باشند. چه اینکه عیاشی در سفرنامه خود از دکه و محدوده های سنگچین شده ای گزارش کرده که توسط برخی بزرگان برای خود و پیروان یا نزدیکان خود ساخته شده اند. او یکی از این محوطه ها را چنین توصیف نموده است: «و فی خارجه من قبلته دکه محوط علیها بأحجار فیها قبر شیخنا صنی الدین القشاشی (م ۱۰۷۱ق)»^۱ و هو الذی اتخذ هدی الدکه لدفن أصحابه». (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۳۷۹)

متأسفانه سیاست های مذهبی و فرهنگی حکمرانان در دهه های اخیر موجب شده است که علاوه بر از بین رفتن بسیاری از این میراث مادی و معنوی، مزارات بقیع از موضوعات مورد اهتمام سفرنامه نویسان مغربی نیز خارج شده و کمتر مورد توجه قرار گیرد. به عنوان نمونه در برخی سفرنامه های اخیر مانند «الرحلة الطنجویة» که در سال

۱. صفی الدین احمد بن محمد بن یونس دجانی قشاشی از فضایل صوفیه در قرن یازدهم هجری قمری است. وی در خاندانی از صوفیه به دنیا آمده است که اصالتاً فلسطینی بوده و پدر بزرگش یونس ملقب به عبدالنبی به مدینه نقل مکان کرده و در این شهر ساکن می گردد. عبدالنبی خود از صوفیان به حساب می آمده است. صفی الدین در مدینه زاده شده و ابتدا مالکی مذهب بوده، و بعد به مذهب شافعی می گردد. قشاشی که اکثر کتاب های خویش را در حوزه تصوف به نگارش درآورده، در این امر علاوه بر پدر خویش، شاگرد احمد بن علی شناوی بوده و علاوه بر شاگردی، دختر وی را نیز به همسری برگزیده است. وی که فقیه مذاهب مالکیه و شافعیه بوده و بر هر دو مذهب فتوا می داده در سال ۱۰۷۱ هجری قمری در مدینه وفات یافته است. قشاشی در لغت عرب به معنای خوشه چینی است و گویا این کار شغل جد وی بوده است. (زرکلی، ۱۹۸۰، ج ۱، ص ۲۳۹)

۱۳۱۵ق نگارش یافته، گزارش وی از مزارات و مشاهد بقیع از پنج سطر تجاوز نمی نماید.
(بیومی، ۲۰۰۹، ص ۹۳)

به نظر می رسد زیارت مراقد بقیع از بعد تاریخی نیز حائز اهمیت بوده است، به طوری که سفرنامه نویسان مغربی به برخی باورها و کنش های زائران که مرتبط با تاریخ اسلام یا تحولات قبرستان بقیع است اشاره نموده اند.

ز) اهتمام به اسناد و اخبار تاریخی در انتساب قبور

زائران بقیع به صورت کلی بدون اینکه وارد بحث علمی شوند اما نسبت به گزارش های پیرامونی مرتبط با مدفونین در بقیع بی تفاوت نبوده و حتی در مواردی به نقل اخبار مختلف، جرح و تعدیل انتساب ها و اعتبار برخی قبور پرداخته اند؛ به عنوان نمونه برخی در جانمایی قبر حلیمه سعدیه دایه گرامی رسول خدا ﷺ در نزدیکی مرقد ابراهیم (فرزند رسول خدا ﷺ) کنکاشی کرده و ادعا نموده اند که مدرکی بر این انتساب نیافته اند.^۱ و یا کتانی در انتساب قبری که در کنار مدفن عثمان بن عفان وجود دارد به فاطمه بنت اسد، تردید نموده و حتی ادعا کرده است که علی رغم شهرت این انتساب در زمان وی، مدرکی بر چنین ادعایی وجود ندارد.^۲

ح) یادکرد از فضایل مدفونین به هنگام معرفی مدفنشان

سنت زیارت اهل قبور نه یک رفتار عارضی و مورد توجه حجاج و زائران بلکه از آداب مورد توجه بانیان بقاع و اهالی حجاز و مدینه بوده است. چه اینکه یکی از مناصب و

۱ «ثم ضريح مولاتنا حلیمة فی القبة التي تنسب إليها، ولا يعرف لذلك أصل». (کتانی، ۲۰۰۵، ص ۲۲۷-۲۲۸)

۲ «ثم ضريح سيدنا عثمان في طرف البقيع، وخارج البقيع قريباً سورة المجاور لسيدنا عثمان وسيدتنا حلیمة قبة سعد بن معاذ، والعامّة اليوم تنسب هذه القبة لفاطمة بنت أسد، ولأصل لذلك». (همان، ۲۰۰۵، ص ۲۲۷-۲۲۸)

شغل های اهل مدینه راهنمای مشاهد بوده است که از آنها به «مُزَوِّر» یاد می شده است. (بتنونی، ۱۳۸۱، ص ۴۱۵) همچنین در بسیاری از مزارات اطلاعاتی از زندگی یا اوصاف صاحب بقعه حک شده بود؛ مانند آنچه از تاریخ تولد و فوت متوفی یا جایگاه شخص در نزد پیامبر ﷺ یادآوری شده بود؛ به عنوان نمونه بر سر مزار مالک بن انس که دارای قبه ای کوچک بوده است چنین آمده بود: «توفی الإمام مالك بن انس رضی الله عنه فی ربيع الأول سنة تسع وسبعین و مئة، و مولده فی ربيع الآخر سنة ثلاث و تسعين». (ابن حاج، ۱۴۲۶، ص ۴۲۳) و یا اینکه مالک بن انس صحابی و پرچم دار پیامبر ﷺ در صدر اسلام بوده است. (قیسی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲)

ابن جبیر، ابن رشید و بلوی از کتیبه ای بر سر مزار فاطمه بنت اسد یاد کرده اند که در آن به فضیلت انحصاری وی تصریح شده است: «ما ضَمَّ قبرام احد، كفاطمة بنت اسد». (ابن رشید، ۱۴۰۸، ج ۵، بخش ۳، ص ۱۹؛ بلوی، بی تا، ص ۹۶؛ ابن جبیر، بی تا، ص ۱۵۶) ابن رشید در ادامه به اطلاعات کامل تری از صاحب بقعه پرداخته و به تناسب به برخی از گزاره های تاریخی و احادیث نبوی مرتبط پرداخته و می نویسد: «فاطمه بنت اسد (رضی الله عنها) مادر امیرالمؤمنین... ابی الحسن علی بن ابی طالب رضی الله عنه... او دختر اسد بن هاشم بن عبد مناف و مادر علی و برادران علی بود. او اولین زن هاشمی بود که برای هاشمی فرزندی آورد. فاطمه به مدینه مهاجرت کرده و در مدینه درگذشت. پیامبر در تشییع او شرکت کرده و او را تکریم نموده و لباس خود را بر او پوشاند و با او در قبرش دراز کشید و چون از آن حضرت پرسیدند، فرمود: پس از ابوطالب کسی از او مهربانتر بر من نبود» (ابن رشید، ۱۴۰۸، ج ۵، بخش ۳، ص ۱۹)

ط) توجه به مشاهد و آثار در بقیع

برخلاف آنچه در ابتدا به نظرمی رسد، بقیع تنها مشتمل بر قبور نبوده و میراث و مشاهد متعددی را در دل خود جای داده است؛ به عنوان نمونه زائران در بقیع از محلی

با عنوان «قبة الحزن» (کتانی، ۲۰۰۵، ص ۲۲۷-۲۲۸) یا «بیت الحزن» (ابن جبیر، بی تا، ص ۱۵۶) بازدید نموده و آن را زیارت می نموده اند. یا در گزارشی دیگر از محلی در بقیع یاد شده است که رسول خدا ﷺ هر از چند گاهی در آن حضور یافته و برای مدفونین در بقیع استغفار نموده اند. (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۳۷۶) البته اخبار تکمیلی را می توان در منابع مدینه نگاری جست و چونمود چه اینکه برخی از این منابع از مسجدی در بقیع یاد می کنند:

«مسجد بقیع بریمین کسی است که از راه بقیع بیرون می آید و در غربی تربت پاک عقیل و امهات المومنین..... آنچه ظاهر می شود آن است که این مسجد اُبی بن کعب است که آن را مسجد بنی جدیله گویند.... نماز نکرد رسول ﷺ در مساجدی که در حفره مدینه است الا در ابی بن کعب مسجد. رسول ﷺ بود که اختلاف می کرد یعنی رفت و آمد می نمود به مسجد اُبی و نماز می کرد در آن خانه یک بار و دو بار و فرمود که اگر نه آن بود که مردم میل می کردند به این مسجد، هر آینه نماز بسیار در آنجا می کردم ابن زباله روایت کرده: «نبی ﷺ در مسجد بنی جدیله که مسجد اُبی بن کعب است، نماز کرد». (سمهودی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۰)

۷۷ نام گذاری یکی از چهار دروازه مدینه به نام «باب البقیع» از دیگر کارکردهای تاریخی این قبرستان در تاریخ اجتماعی این شهر است. چه اینکه بسیاری از سیاحان و کسانی که به مدینه سفر کرده اند در آثار خود از این دروازه یاد کرده و سایر مشاهد مدینه را بر اساس نزدیکی یا دوری به این دروازه جانمایی کرده اند؛ به عنوان نمونه عیاشی نوشته است: «فاول ما یلقاک من المشاهد اذا خرجت علی باب المدینة المسمی بباب البقیع». (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۳۷۶) و یا اینکه یکی از درب های مسجد النبوی نیز به این نام نامگذاری شده است.

ی، یادکرد از رویدادها و حوادث تاریخی

زائران بقیع در کنار تعظیم مدفونین در بقیع از اهل بیت رسول خدا ﷺ و اصحاب، برخی از حوادث تلخ و شیرین تاریخ اسلام را نیز مرور می‌نموده‌اند. از چگونگی تأسیس این قبرستان و اولین مدفون در آن که عثمان بن مظعون بوده (فاسی، ۲۰۱۴، ص ۲۶۸) تا سایر حوادث تاریخ اسلام همچون واقعه حرّه و جنایاتی که لشکریان یزید در مدینه مرتکب شدند. (مکناسی، ۲۰۰۳، ص ۲۶۱) از دفن شدن ابوسفیان در خانه عقیل که بعدها به بقیع ملحق شد (مرادی، ۲۰۰۶، ص ۱۳۴؛ فاسی، ۲۰۱۴، ص ۲۶۷؛ درعی، ۲۰۱۱، ص ۴۷۱) و یا دعوت عایشه از عبدالرحمن بن عوف برای دفن شدن در کنار پیامبر ﷺ و نپذیرفتن عبدالرحمن به دلیل عهدی که برای دفن در کنار عثمان بن مظعون بسته بود. (همان، ۲۰۱۱، ص ۴۷۲) همچنین چاهی منسوب به امام سجاد علیه السلام که در خانه ایشان و نزدیک به بقیع واقع بوده و از آن به عنوان استشفاء استفاده می‌شده است. خانه امام سجاد علیه السلام گرچه خارج از بقیع بوده اما در سفرنامه‌های مغربی از مشاهد نزدیک به بقیع شمرده می‌شده است. در این سفرنامه‌ها از تعظیم برخی شخصیت‌ها همچون اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام گزارش شده است با اینکه وی از صحابه یا فقهاء نبوده است. این تعظیم شاید بیشتر از سوی زائران اسماعیلی مذهب بروز و ظهور می‌یافته است. (مرادی، ۲۰۰۶، ص ۱۳۷)

نتیجه:

با اذعان به اینکه رفتارهای زائران بقیع در مقایسه با سایر گزارش‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی کمتر مورد توجه نویسندگان سفرنامه‌ها در قرون گذشته قرار گرفته است اما می‌توان مجموعه‌ای از باورهای رایج، ظهور یافته در بقیع را در دو ساحت باورهای فکری-مذهبی و باورهای فرهنگی-تمدنی گونه‌شناسی نموده و این باورها را در مصادیقی چون اهتمام و توجه به انتساب مدفونین به رسول خدا ﷺ و نقش و

جایگاه ایشان در صدر اسلام، همچنین تمسک به احادیث و مضمون های دینی در اولویت سنجی زیارت و تکریم ایشان مشاهده نمود. از بعدی نیز برخلاف آنچه توسط برخی فرقه های افراطی ادعا می شود از دیرباز زیارت اهل قبور مورد توجه تمامی فرق اسلامی بوده و مجموعه ای از سنت های دینی و عرفی در مقابر مسلمین بروز و ظهور می یافته است که تجلی این عادات و رسوم در قبرستان بقیع که مورد توجه تمامی مؤمنین از ملل مختلف اسلامی است بهترین دلیل بر مقبولیت این عادات و رسوم خواهد بود. تبرک جویی به مشاهد و بقاع از سوی مسلمانان غیر شیعه و تجلی ارادت و محبت ملل مسلمان بواسطه به یادگار گذاردن آثار هنری در این بقاع از سایر باورهای ظهور یافته در قبرستان بقیع می باشد.

فهرست منابع:

۱. ابن بطوطه، محمد بن عبد الله (۱۹۹۷). رحلة ابن بطوطه، تحفة النظارفی غرائب الأمصار وعجائب الأسفار، عبد الهادی تازی، رباط - مغرب، أكاديمية المملكة المغربية، ج ۱.
۲. ابن جبیر، محمد بن احمد (بی تا). رحلة ابن جبیر، بیروت، لبنان، دار و مكتبة الهلال.
۳. ابن حاج، محمد بن محمد (۲۰۰۵). رحلة العبدی، علی ابراهیم کردی، دمشق - سوریه، دار سعد الدین.
۴. ابن رشید، محمد بن عمر، (۱۴۰۸). ملء العیبة بما جمع بطول الغیبة فی الوجهة الی الحرمین مكة وطیبة، محمد بن عمر فهري، بیروت، لبنان، دار الغرب الإسلامی، ج ۵.
۵. بتنونی، محمد لیب (۱۳۸۱). سفرنامه حجاز، هادی انصاری، تهران - ایران، نشر مشعر.
۶. بلوی، خالد بن عیسی (بی تا). تاج المفرق فی تحلیه علماء المشرق، حسن السائح، مغرب، صندوق احیاء التراث اسلامی.
۷. بیومی، محمد علی فهیم (۲۰۰۹). الرحلة الطنجویة الممزوجة بالمناسک المالکیة، حسن بن محمد غسال، قاهره - مصر، مكتبة زهراء الشرق.

۸. درعی، محمد بن ناصر (۲۰۰۱). الرحلة الناصرية ۱۷۰۹-۱۷۱۰م، عبدالحفیظ ملوکی، ابوظبی- امارات، دارالسویدی للنشر والتوزیع.
۹. زرکلی، خیرالدین، (۱۹۸۰). الاعلام قاموس الإعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ پنجم، ج ۱.
۱۰. سمهودی، علی بن عبدالله (۱۳۷۶). اخبار مدینه، تصحیح: کمال حاج سیدجوادی، تهران- ایران، نشر مشعر.
۱۱. عیاشی، عبدالله بن محمد (۲۰۰۶). الرحلة العیاشیة ۱۶۶۱-۱۶۶۳م، سلیمان قرشی وسعید فاضلی، ابوظبی- امارات، دارالسویدی للنشر والتوزیع، ج ۱.
۱۲. فاسی، محمد طیب بن محمد (۲۰۱۴). رحلة ابن الطیب من فاس إلى مكة المكرمة، عازف احمد عبد الغنی، دمشق- سوریه، دار نور حوران.
۱۳. قلصادی، علی بن محمد (۱۹۷۸). رحلة القلصادی، محمد ابوالاجفان، تونس، الشركة التونسية للتوزیع.
۱۴. قیسی، محمد بن احمد (۵۱۳۸۸). أنس الساری والسارب من أقطار المغرب إلى منتهی الآمال والمآرب سید الأعاجم والأعارب ۱۰۴۰-۱۰۴۲ق / ۱۶۳۰-۱۶۳۳م، محمد فاسی، فاس- مغرب، المملكة المغربية،
- وزارة الدولة المكلفة بالشؤون الثقافية و التعليم الاصلی.
۱۵. كتانی، محمد بن جعفر (۲۰۰۵). الرحلة السامیة إلى الإسكندریة ومصر والحجاز و البلاد الشامیة، محمد بن عزوز و محمد حمزه بن علی كتانی، بیروت- لبنان، دار ابن حزم.
۱۶. مرادی، عبدالمجید بن علی (۲۰۰۶). بلوغ المرام بالرحلة إلى بیت الله الحرام، محمد زینهم محمد عزب، قاهره- مصر، الدار الثقافیة للنشر.
۱۷. مكناسی، محمد بن عبد الوهاب (۲۰۰۳). رحلة المكناسی، محمد بوكبوط، بیروت- لبنان، المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.